

سربازان اسلام

در خاک فرانسه پیش میروند

هنگامیکه «ایودیس» دوک اکسیتانیه از شکست و کشته شدن هم‌پیمان خود «منوسه» آگاهی یافت و متوجه شد که در معرض خطر جدی قرار گرفته است، آماده دفاع از قلمرو خویش گردید نخست فرانسویان به اتفاق «کت‌ها» در ایالات شمالی دست به حمله برضد پایگاه‌های مسلمین زدند .
 عبدالرحمن غافقی که اینک بر فرمانروایی کل اسپانیا منصوب گشته است، در صدد بود که انتقام کشته شدن سمح بن مالک خولانی سردار نامی پیش از خود را بگیرد و شکست مسلمانان را در کنار دیوارهای «تولوز» جبران کند.

به همین منظور از آغاز فرمانروایی خود پیوسته نیرو بسیج میکرد تا همگی کشور فرانسه را تصرف کند. ولی هنگامیکه دید ایالات شمالی در معرض خطر قرار گرفته است، ناگزیر شد که قبل از انجام مقصود، روی به شمال آورد. در صورتی که اگر این پیش‌آمد اتفاق نمی افتاد، قادر بود بزرگترین نیروی اسلامی را که تا آنروز سابقه نداشت بسوی ۳ الیسیا (فرانسه) اعزام بدارد .
 در اوائل سال ۱۱۴ هجری عبدالرحمن آراگون (مرزشمالی) و ناوار (شهرهای باشکست) را پیمود و با پشت سر نهادن ایالات شمالی قدم بخاک اصلی فرانسه نهاد. سپس با سپاهان خود به شهر آزل واقع در کنار رود رن که اهالی آن از پرداخت مالیات خودداری نموده بودند حمله برد، و پس از جنگ سختی که در کرانه رود مزبور میان او و سربازان دوک بوقوع پیوست بر آن شهر

دست یافت.

آنگاه روی به غرب نهاد و از رود گارن عبور کرد و بانبروهای خود مانند سیل بطرف امیرنشین اکسوتین (۱) سرازیر شد. دوک در صدد برآمد جلو پیشروی مسلمانان را بگیرد.

میان سپاهیان دو طرف در کرانه رود در دوندون پیکار سختی در گرفت دوک سخت درهم شکست و سپاهیانش متلاشی گشت.

ایزیدور مورخ وقاضی باجه اسپانیا مینویسد: «خدا میداند که در آن جنگ چقدر از مسیحیان کشته شده». عبدالرحمن دوک را تا بردال پایتختش دنبال کرد و بعد از محاصره کوتاهی پایتخت را به تصرف درآورد.

دوک باتنی چند از نزدیکانش به شمال گریخت، و بدنیال آن تمام قلمرو امیرنشین اکسوتین بدست مسلمانان افتاد. عبدالرحمن باردیگر بطرف رودخانه «ورن» بازگشت.

سربازان اسلام «برگونی» را گشوده و «لیون» و «بیزانسون» (۲) را اشغال کردند جلوداران آنها به «سانس» که فقط صدمیل تا پاریس فاصله داشت رسیدند.

عبدالرحمن غافقی سپس از ناحیه غرب روی به کرانه های رود «لوار» نهاد تا فتح آن منطقه را تکمیل کند و از آنجا آهنگ پایتخت فرانسه نماید (۳)

۱- امیرنشین اکسوتین در آن موقع از ناحیه شرق میان رود «ورن» تا خلیج غسقونیه (بسکی) در سمت غرب از رود «لوار» در شمال تا رود «گارن» در جنوب امتداد داشته است که امروز شامل ایالات جدید فرانسه: جویان، پیرجور، سانتونز، پواتو، ونده و قسمتی از «انجو» می گردد.

۲- این شهر مسقط الرأس و یکتور هوگو شاعر مشهور فرانسوی است.

۳- گاردون فتوحات عبدالرحمن را در جنوب فرانسه طوود دیگری نوشته است. او مینویسد: عبدالرحمن غافقی نخست به «آرل» روی آورد و آنرا محاصره کرد. کنت در صدد دفاع از شهر برآمد و در جنگی که میان آنها در گرفت کنت را شکست داد و ناگزیر به فرار نمود. عبدالرحمن سپس از رود «گارن» عبور کرد و بر «بردو» دست یافت. کنت لشکر تازه ای بسیج کرد و برای عقب زدن عبدالرحمن پیش آمد ولی عبدالرحمن باردیگر او را شکست داد. آنگاه عبدالرحمن پیرجور و سانتونز و پواتو را تصرف نمود و همچنان پیش رفت تا به «تور» رسید. (تاریخ آفریقا و اسپانیا تألیف کاردن ص ۱۲۹)

عبدالرحمن در «ورن» را نیز چنانکه گفتیم تصرف نمود. ما شرح پیشروی او را ←

این پیشروی باموفقیت انجام گرفت و در نتیجه نیمی از جنوب فرانسه را از شرق تا غرب در مدت چندماه متصرف شد. ادوارد گیبون میگوید: «خط پیروزی مسلمانان تا هزار میل از صخره جبل الطارق تا کرانه‌های رود ولوار، امتداد یافت! اشغال این مسافت مسلمانان را به حدود پولونیا و ارتفاعات انگلیوسیا کشانید.

رودخانه «راین» از نیل و فرات نیرومندتر نبود که بتواند در برابر هجوم مسلمانان مقاومت نماید شاید دیری نمی پائید که ناوگانی از مسلمانان بدون جنگ دریائی به مصب رودخانه «تایمز» می رسید، بلکه امکان داشت هم اکنون احکام قرآن در دانشگاه «آکسفورد» تدریس شود. و نیز امکان داشت که کرسی‌های «آکسفورد» اعتراف به نزول وحی و رسالت محمد نماید» (۱)

* * *

آری برخورد نهائی که سر نوشت اسلام و مسیحیت و شرق و غرب را تعیین می کرد نزدیک می شد. اشغال دنیای آنروز توسط مسلمانان خیلی سریع و دهشت انگیز بود زیرا هنوز نیم قرن از وفات پیغمبر اسلام نگذشته بود که مسلمانان دولت باعظمت ایران را از میان بردند و بر قسمت اعظم قلمرو روم شرقی از شام تا دورترین نقطه مغرب استیلا یافتند.

بدینگونه حکومت اسلامی با کمال قدرت در بین «سند» از ناحیه شرق و اقیانوس اطلس در سمت غرب بر جای ماند و در شمال نیز تا قلب آسیای صغیر گسترش یافت. هدف فاتحان اسلام از روز نخست بالاتر از آن بود که قسمتی از اراضی دیگران را ضمیمه قلمرو خود کنند و مملکت و دولت خود را توسعه دهند. اسلام در ممالک مفتوحه با سازمان و تشکیلاتی ریشه دار که بر پایه بت پرستی و مسیحیت قرار داشت مواجه گردید. مسیحیت نیز از قرن چهارم میلادی بر تمامی قلمرو روم حکم میراند.

دولت جدید اسلام لازم میدانست که آن بنای قدیمی را در هم ریخته سازمانی نوین بر ویرانه‌های آن بنا کند که بر اساس تعالیم اسلام استوار باشد و مسیحیت را در برابر قدرت اسلام خاضع کند. خواه این منظور با انتشار اسلام در بین ملل ممالک مفتوحه انجام گیرد یا از جنبه

هر در خاک فرانسه مطابق کلیه منابع تاریخی و مواقع جغرافیائی متعلق به این جنگ تشریح کردیم ممکن است عبدالرحمن شخصاً به شمال و «بر کونی» نرفته باشد ولی بدون شک سپاهیان اسلام بر این نقاط دست یافتند.

تمدن و نظام اجتماعی تحت نفوذ اسلام و سلطه آن باشد.

این برخورد میان اسلام و مسیحیت در شام و مصر و آفریقا زیاد بطول نینجامید. زیرا هنوز نیم قرن نگذشته بود که نفوذ اسلام این ملت‌ها را بکلی در خود فرو برد و در آن کشورها جوامعی صلح دوست و نیرومند بوجود آمد و در کلیه سازمان‌ها و ادیان قدیمی رخنه کرد.

حکومت اسلامی سپس فتوحات خود را در ناحیه شرق متوجه دورترین نقطه آسیای صغیر نمود و در سمت غرب از اسپانیا گذشت. در مشرق نیز اسلام می خواست از قسطنطنیه به اروپا راه یابد بدین منظور بارها سپاهیان و ناوگان خود را به طرف پایتخت روم شرقی گسیل داشت و چنانکه گفتیم دوبار قسطنطنیه را محاصره کرد. ولی این محاصره به نتیجه نرسید و اسلام ناگزیر از پشت دروازه‌های قسطنطنیه عقب نشست و دولت روم شرقی همچون سد پولادینی در برابر اسلام قرار گرفت.

سپاهیان اسلام راه اروپا را از ناحیه غرب گشودند و با فتح اسپانیا وارد اروپا شدند، و چنانچه دستگاه خلافت دمشق متزلزل نمی گردید و دستخوش تغییر نمیشد اسلام قادر بود از همان راه شرق نیز وارد اروپا گردد و شمال و جنوب اروپا را زیر فرمان آورد.

فتوحات فرمانروایان اسلامی اسپانیا در جنوب فرانسه نیز شکل دیگری از کشمکش اسلام و مسیحیت را نشان می داد. کشور فرانسه در آن روز بزرگترین مملکت اروپا بود، و در شمال و غرب اروپا نظیر نداشت. فرانسه در غرب اروپا به حمایت از مسیحیت برخاسته بود همانطور که روم شرقی در شرق خود را مدافع کلیسا می دانست.

مسئولیت فرانسه در حمایت از مسیحیت مشکلتر و دشوارتر از وظیفه روم شرقی بود. زیرا در همان هنگام که اسلام در جنوب مسیحیت را به مخاطره انداخته بود قبائل بت پرست ژرمنی در ناحیه شمال و شرق نیز آنرا در معرض تهدید قرار می داد.

جنگهای مسلمانان در آغاز در ولایت جنوبی فرانسه «سپتمانیه» متوقف ماند، ولی بعداً دامنه آن به امیرنشین «اکسوتین» و کرانه رود «گارن» کشیده شد، سپس از آنجا به شمال «رن» ولایت بر گونیه نیز رسید و تقریباً نیمی از تمام جنوب فرانسه را در بر گرفت.

بدینگونه خطر نفوذ اسلام از دریچه چشم مسیحیان به نحوی آشکار و نیرومند سر نوشت فرانسه را به مخاطره انداخت طلیعه آن. برخورد خطیر و کوبنده بخوبی احساس می شود بنظر می رسد که فرانسه و جهان مسیحیت نیز باید خود را آماده مقابله با آن نمایند.

* * *

پیکاری که در دشت‌های فرانسه بوقوع پیوست، نبرد اسلام و مسیحیت بود. از نظری

هم جنگی بود میان جنگجویان دولت روم که سعی داشت میراث خود را همچنان نگاه دارد، و بین مسلمانانی که اراضی دولت روم را در شرق و غرب تصرف نموده بودند، و میان فرانک‌هایی که در آلمان و گالیس (فرانسه) می‌زیستند.

فرانک‌ها شاخه‌ای از بربرهایی بودند که در «رم» جنگیدند و تمدن آنرا میان «وندال» و «گت‌ها» و «آلان» و «شوایی‌ها» تقسیم نمودند.

تلاقی مسلمانان و فرانک‌ها در دشت‌های فرانسه بزرگتر از یک جنگ محلی و جنگی میان شهری یا ولایتی بود که معمولاً زیاد اتفاق می‌افتد.

مسلمانان بایزرگترین نیروئی که بسیج کرده بودند از «برنیه» عبور نمودند. در رأس این سپاه عظیم اسلامی نیز فرماندهی قرارداد شد که دارای همتی عالی و شجاعت و نبوغی زایدالوصف بود.

این فرمانده بزرگ عبدالرحمن غافقی بود. او بزرگترین سرباز اسلام بود که از «برنیه» عبور کرد. نبوغ نظامی او از زمان فرماندهی وی در «پیکار» «تولوز» آشکار گشت. زیرا وی در آن جنگ بعد از شکست سپاه اسلام و شهادت فرمانده آن سمح بن مالک خولانی توانست با مهارت سپاهیان شکست خورده را گرد آورد و به «سبتمانیه» عقب نشینی کند.

روایات فرانسه تعداد سربازان عبدالرحمن را در این جنگ بالغ بر چهارصد هزار نفر می‌داند. این تعداد غیر از سایر دسته‌هایی بود که برای نگاهداری اراضی مفتوحه بسیج شده بودند و همراه اومی آمدند.

تعداد مزبور مبالغه‌ای بیش نیست. برخی از روایات اسلامی نغرات عبدالرحمن را هفتاد یا هشتاد هزار نفر می‌داند. این تعداد به حقیقت و منطق نزدیکتر است.

لشکر کشی مسلمانان به فرانسه به فرماندهی سردار بزرگ «عبدالرحمن غافقی» چنان اثر عمیقی در میان اروپائیان برجای گذاشت که فکر «سودی» شاعر عصر اخیر اروپا را مشوش ساخته است. آنجا که در ضمن اشعاری که درباره وقایع ایام سلطنت «لودویک» آخرین پادشاه گت‌ها سروده می‌گوید:

سردار اسلام سربازانی بیشمار گرد آورد.

از شام و بربر و عرب و روم و ...

و از ایران و مصر و تاتار، نیروئی واحد پدید آورد

این نیرو را ایمانی محکم و جوانمردی پی‌گیر

ودفاعی آتشین و برادری شکفت آوربهم پیوسته بود.

وسرداران

تردیدى در پیروزی و بالا گرفتن فتوحات خود نداشتند

با آن نیروی سهمگین بحرکت درآمدند

نیروئی که یقین داشتند همه چیز را در جلو خود از میان میبرند

و هر جا باشند یکه تاز میدانند و پیروزمندان به پیش میروند

تا اینکه غرب مغلوب هم مانند شرق

به احترام نام محمد سرفرود آورد

و حاجیان از دورترین نقاط مناطق قطبی بحرکت درآیند

تا با قدم های ایمان ، شن های سوزانی را

که در بستر صحرای عرب و اراضی پر صلابت مکه گسترده است در نورند!

حافظه شگفت انگیز!

« لئونارد اولر » فیزیکدان و ریاضی دان مشهور ، حافظه عجیبی برای

یاد گرفتن و بخاطر نگه داشتن اعداد از ۱۰۰ بیشتر را بدست آورد.

در سال ۱۸۱۲ داستان کودک هشت ساله ای بنام «زیرا کلبرن» در تمام

محافل علمی ورد زبان ها گردید زیرا او میتواند در ذهن خود حاصل اعداد

را تا توان شانزده بدست بیاورد و مسائل جبری را حل کند.

هنگامی که از او سؤال کردند ۴۸ سال چند دقیقه است ، بدون مدتی

جواب داد:

۲۵،۲۲۸،۸۰۰ دقیقه و بعد هم بلافاصله ثانیه ها را نیز حساب کرد

و گفت .

يك هنرمند رومی بنام.ان.ان.گنی که در سال ۱۸۳۱-۱۸۹۴ میزیسته

تابلویی از یکی از تالارهای قصر «پترهوف» ترسیم کرده که «وجب اعجاب

تماشاچیان گردید، زیرا نامبرده فقط یکبار تالارم را دورا دیده بود و بکمک

حافظه قوی که داشت توانست چنین شاهکار بزرگی بوجود بیاورد، خود او در

این باره اظهار کرده است: «من تمام مدل های اصلی را دره خپله ام ضبط کردم

پتر کبیر و الکسی، نجاری، گچ بری ها، و حتی چهار تابلوی هلندی را که بدیوارها

آویزان بود، میله ها، و صندلی ها، حتی کف اتاق ، و چراغ ها را در همان دیدار

اول به حافظه ام سپردم.»

(روانشناسی در شوروی ص ۱۸۸)